

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۱۱/۱۲

احمد فواد ارسلا

## چگونه دولت ترمپ می تواند یک رابطه کاری با حکومت طالبان در افغانستان ایجاد کند



مقاله ذیل را قبلاً به انگلیسی نشر کرده ام:

<https://www.linkedin.com/pulse/pragmatism-over-ideals-how-trump-administration-could-ahmad-arsala-lpi1e/?trackingId=t2e2GmnhTIKQRQXB1ZuVnQ%3D%3D>

ترجمه دری در ذیل تقدیم است.

تحلیلی بر تدبیر احتمالی دولت ترمپ به افغانستان، بخصوص با حکومت طالبان، احتمالاً بر مصلحت عملی و تمرکز بر منافع استراتژیک به جای پریشانی و خیالبافی ایدئولوژیک تأکید خواهد داشت. با توجه به سابقه‌ی سیاست خارجی ترمپ، تدبیر او در مورد افغانستان احتمالاً بر ارجحیت به امنیت، منافع اقتصادی، و مقابله با نفوذ چین و ایران نسبت به تعهدات گسترده‌تر به اصول دموکراتیک، حقوق بشر، و حقوق زنان متمرکز خواهد بود. در ذیل، چگونگی شکل‌گیری چنین تدبیر در روابط توضیح داده شده است:

### ۱. محاسبات استراتژیک به جای تعهدات ایدئولوژیک

سیاست خارجی ترمپ به‌طور تاریخی بر روابط معاملاتی و اتحادهای عمل و مصلحتی تأکید داشته است و بیشتر بر امنیت و منافع اقتصادی ایالات متحده اهمیت داده است تا آرزوها و پریشانی‌های دموکراتیک. روابط دولت او با کشورهایایی مثل عربستان سعودی و کوریای شمالی نشان‌دهنده‌ی آمادگی برای تعامل با رژیم‌های به اصطلاح غیر

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

دیموکراتیک است، اگر با منافع آمریکا هم‌نوا باشد. در مورد افغانستان، ممکن است دولت ترمپ بر جلوگیری از تبدیل شدن افغانستان به یک تهدید امنیتی تمرکز کند و از سرمایه‌گذاری‌های گسترده در ملت‌سازی یا اجرای اصلاحات اجتماعی، مانند حقوق زنان و دستاوردهای دموکراتیک، که در گذشته ارجحیت سیاست خارجی ایالات متحده بوده است، اجتناب کند.

بیانیه‌ی طالبان که ابراز امیدواری کرده‌اند دولت آینده آمریکا «قدم‌های واقع‌بینانه» بردارد، نشان از آمادگی برای دیپلماسی مبتنی بر منافع مشترک به‌جای مطالبات ایدئولوژیک دارد. برای طالبان، این بدان معناست که رابطه‌ای که به حاکمیت افغانستان احترام می‌گذارد و از تحمیل استندردهای دموکراتیک لیبرال خودداری می‌کند، مناسب‌تر است.

## ۲. ادامه‌ی میراث توافق دوحه

دولت ترمپ توافق دوحه را به سرانجام رساند که راه را برای خروج عساکر امریکایی از افغانستان در ازای تعهدات طالبان برای جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی در خاک افغانستان هموار کرد. این توافق عمدتاً معاملاتی بود: هدف ایالات متحده پایان دادن به یک جنگ طولانی مدت بدون تلاش برای تحول اجتماعی در افغانستان بود. اگر ترمپ به تعامل با طالبان ادامه دهد، احتمالاً دولت او بر اساس این توافق عمل خواهد کرد و بر مبارزه با تروریسم و نقش طالبان در تضمین ثبات در افغانستان تأکید خواهد داشت.

برای ترمپ، یک رابطه عملی با طالبان ممکن است بر حفظ افغانستان به‌عنوان حائلی در برابر تهدیدات تروریستی بدون دخالت گسترده در امور داخلی افغانستان تمرکز کند. این تدبیر می‌تواند شامل توافقات مذاکره‌ای باشد که بر اشتراک استخبارات و مشوق‌های اقتصادی برای جلوگیری از رشد تشکیلات افراطی که دشمن منافع ایالات متحده هستند، ارجحیت دهند.

## ۳. مقابله با نفوذ چین و ایران

رقابت استراتژیک با چین و تا حدی ایران، احتمالاً یکی از ملاحظات اصلی در تدبیر ترمپ در مورد افغانستان خواهد بود. موقعیت استراتژیک افغانستان آن را به عرصه‌ای برای نفوذ در آسیای مرکزی و جنوبی تبدیل کرده است و طرح ابتکار کمربند و جاده چین (BRI) نیز به پاکستان هم‌جوار افغانستان گسترش یافته است. ترمپ ممکن است همکاری با افغانستان را به‌عنوان وسیله‌ای برای مقابله با نفوذ فزاینده‌ی چین در منطقه ببیند و از طریق مشوق‌های اقتصادی یا سرمایه‌گذاری‌های تهدابی، افغانستان را از وابستگی به چین دور کند.

علاوه بر این، نزدیکی افغانستان به ایران می‌تواند فرصتی برای کاهش نفوذ ایران یا اعمال فشار غیرمستقیم بر تهران فراهم کند. این امر احتمالاً شامل همکاری استخباراتی پنهان یا با نمایش کم‌رنگ خواهد بود تا هم‌نوائی دیپلماتیک آشکار؛ افغانستان تحت حاکمیت طالبان می‌تواند به‌عنوان شریک مفیدی در مهار منافع ایران دیده شود.

## ۴. تأکید کم بر حقوق بشر و حقوق زنان

بر خلاف دولت بایدن که در سیاست خارجی خود بر حقوق بشر و حقوق زنان تأکید داشته است، دولت ترمپ احتمالاً این عناصر را در ارجحیت‌های کمتری قرار می‌دهد. سیاست‌های گذشته‌ی ترمپ نشان داده‌اند که او بر فشار بر متحدان یا دشمنان خود در مسائل حقوق بشری، بخصوص اگر مستقیماً با اهداف امنیتی یا اقتصادی ایالات متحده هم‌خوانی نداشته باشند، تمرکز کمتری دارد. در این زمینه، دولت ترمپ احتمالاً از حمایت از حقوق زنان یا آزادی‌های

مدنی در افغانستان خودداری می‌کند و حکومت محافظه‌کارانه‌ی طالبان را به‌عنوان یک واقعیت فرهنگی می‌پذیرد که نیازی به در چلنج قرار دادن ندارد.

این تدبیر می‌تواند یک رابطه‌ی کاری ایجاد کند که بر عدم مداخله در سیاست‌های داخلی تأکید دارد، موضعی که احتمالاً مورد استقبال طالبان قرار خواهد گرفت. در مقابل، طالبان می‌توانند در امور امنیتی همکاری کنند بدون این‌که تحت فشار برای اجرای خواسته‌های دموکراتیک غربی یا گسترش حقوق زنان باشند.

#### ۵. دیپلماسی معاملاتی با نگاه به ثبات منطقه‌ای

سبک سیاست خارجی ترمپ به‌جای تعهدات طولانی‌مدت، از توافق‌ها و نتایج قابل اندازه‌گیری حمایت می‌کند. با افغانستان، این ممکن است به توافق‌هایی متمرکز بر تضمین‌های امنیتی، ترتیبات اقتصادی یا عدم مداخله متقابل منجر شود. ترمپ می‌تواند راهی دیپلماتیک را دنبال کند که افغانستان را به‌عنوان شریکی در دستیابی به ثبات و جلوگیری از تهدیداتی که ممکن است بر منافع ایالات متحده تأثیر بگذارد، در نظر بگیرد، بدون این‌که به پلان‌های طولانی‌مدت ملت‌سازی یا بشردوستانه متعهد شود.

#### نتیجه‌گیری

یک دولت احتمالی ترمپ احتمالاً تدبیری عملی و مبتنی بر منافع امریکا در افغانستان اتخاذ خواهد کرد و ارجحیت را بر ثبات، مقابله با دشمنان منطقه‌ای، و دستیابی به نتایج ملموس به‌جای هم‌نوایی ایدئولوژیک قرار خواهد داد. این با تمایل طالبان برای «گام‌های واقع‌بینانه» در دیپلماسی هم‌خوانی دارد و به آن‌ها فرصتی می‌دهد تا حکومت خود را بدون فشارهای قابل توجه در مسائل حقوق بشری تثبیت کنند. با این حال، این هم‌نوایی منافع ممکن است با خطراتی همراه باشد، از جمله بازگشت افراط‌گرایی در شرایطی که نظارت کمی بر رژیم طالبان وجود داشته باشد. با این حال، این هم‌نوایی منافع می‌تواند امکان یک رابطه‌ی کاری محدود و عمل‌گرایانه را تحت دولت احتمالی ترمپ فراهم کند.

آرشیف: مطالب نشرشدهٔ محترم احمد فواد ار سلا